

شروع صدق میکند و تا شروع نشود کامل نمی شود
 لکن چون در قانون کیفری آن نحو شروع محل بحث
 و مورد نظر نیست زیرا مستهلك میشود اصل بزه و
 کیفر خصوصی ندارد و هنگامی شروع مقصود در قانون
 کیفر عمومی تحقق پیدا میکند که مجرد شروع باشد
 یعنی عملیات اجرائی قطع شود و بزه مقصود حاصل نگردد
 و اما اینکه این قطع بچه مستند باشد امری است که
 در قسمت دوم این ماده خواهد آمد
 حسن مشکان - طبسی

ولیکن این توضیحی است بنظر من لازم که همین قدر
 احتمال ضعیفی هم بود در اینکه قصد بزه نداشته عملش
 شروع محسوب نشود و در نظیر این جمله از بعض قوانین
 کیفری سایر ملل هم نظیر این معنی (مثلاً بطور غیر
 مبهم بلاتردید) دیده میشود
 اما جمله اخیر این قسمت از ماده ۱۸: (لکن بواسطه
 کامل نشدن عملیات اجرائی و قطع آنها جرم مقصود
 حاصل نشود) راجع باصل معنی شروع نیست زیرا وقتی
 که عملیات اجرائی هم کامل و حادثه هم واقع شود باز

ثبت ملك غير

تصرف در تصرف باهم تباہی کرده ملك غير را اولی بدومی
 منتقل و شخص اخیر در خواست ثبت کرده و تمام
 هم خود را صرف مستور داشتن این عمل و مانع شدن
 مالك اصلی از فهمیدن تباہی نماید.

و دیگری آنکه اگر وسایل کافی در تهیه اسناد
 انتقالی در دست نباشد طوری بازی کند که خود را متصرف
 ملك غير معرفی و مخصوصاً در املاک مزروعی که بین
 ملك و صاحبش فاصله بسیار و حتی غالباً ملك بدست رعیت
 و اشخاص غیر بصیر بقانون است اثبات این تصرف صوری
 آسان و بنابراین کافی است درخواست کننده با تحصیل
 برك گواه خواهی و یا تهیه مقدماتی برگرفتن ملك بطور
 امانی در دست خود این منظور را تأمین کند.

پس برای رفع این مشکلات در قوانین ثبت و انتقال مال
 غیر کیفرهای متناسبی پیش بینی شد تا مگر ثبت دهندگان
 از راه ترس از مجازات تجاوز بحق دیگری (مخصوصاً
 بیچارگان و غیر آشنایان بقانون) را روا ندارند.

با اینحال و از آنجا که فکر بشر برای فرار از
 قانون و دفاع از آن همیشه حاضر بوده و راه تجاوز را
 بخوبی پیدا میکند دزدان حق و قانون اندیشه بر نیرنگی
 بیخاطرشان رسیدن باین طریق که غالباً این اشخاص با

در عمل بسیار اتفاق افتاده که باره اشخاص
 بی تقوی از غیبت یا کمال جهل کسی استفاده کرده و در
 نتیجه ملك اورا ثبت میدهند مخصوصاً در دهات و مراکزی
 که از شهر هادور بوده مردم دسترس بقانون شناسی
 برای حفظ حق خویش ندارند بیشتر مورد تجاوز واقع
 میشوند.

قانون ثبت اسناد و املاک تقریباً در همان اوان
 پیدایش و مخصوصاً وقتی که ثبت عمومی گردید این مطلب
 را پیش بینی نمود و برای جلوگیری از تباہی اشخاص
 که با منتهای مهارت عملیات ثبتی را بطور بسیار عادی
 و ساده جلوه گر ساخته صاحب واقعی ملك را فریب میدادند
 موادی در نظر گرفت - هم چنین قانون راجع بانقلاب
 مال غیر این مطلب را پیش بینی و قانون گذار وقت چنین
 اندیشید که توسل بوسائل متقلبانه برای تحصیل سند
 مالکیت (که حصار بسیار محکمی را در دسترس درخواست
 کنندگان ثبت گذارده و همیتقدر که این اشخاص بتوانند
 طوری بازی کنند که در ظرف مدت اعتراض مکرشان
 کشف نشود ملك دیگری را مالك میشدند) بیشتر از دو
 راه میسر میشود:

یکی آنکه برای تحصیل سند و مدرک انتقال و

این دسته را تا حدی که ممکن است تامین کند
 ماده ۱۰۹ قانون ثبت املاک: هر کس نسبت به ملکی
 که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده
 «تقاضای ثبت کند» کلاه بردار محسوب میشود...
 پس هر متقاضی ثبت ملکی که در تصرف دیگری
 است بموجب این ماده قابل تعقیب است - و چون غالباً
 در خواست کنندگان مایل بودند هر چه زودتر از انتظار
 خویش بهره برده و بوضعیت غیر معلوم خود خاتمه و مالک
 ملک گردند همینکه سه سال از تاریخ درخواست ثبت
 میگذشت قضیه را تعقیب و مالک را هشیار میکردند مالک
 که از راه حقوقی دستش بجائی نمیرسید ناچار بود متجاوز
 را از راه کیفری تعقیب کند و چون عبارت قانون بطور
 خیلی روشن نوشته نشده بود در تعبیر آن اختلاف حاصل
 میکردید و موضوع بحث امروز هم از حل همین اختلاف
 است بدین طریق: که قانونگذار در ماده ۱۰۹ اشاره
 بدرخواست ثبت راجع به ملکی نموده که در تصرف غیر است
 دادرسان از اینجا چنین استفاده کردند که منظور
 قانونگذار از تقاضای ثبت نه تنها همان روز و ساعتی است
 که متقاضی این عمل را در اداره ثبت اسناد انجام میدهد
 بلکه مقصود انجام اصل عمل است که درخواست ثبت
 باشد و چون اصولاً برای درخواست ثبت تشریفات و
 مقدمات و یکرشته عملیاتی لازم است در هر موقع که
 این عملیات ولو بطور توالی یا تناوب انجام گیرد میتوان مراجعه
 کننده را بمنزله تعقیب کننده درخواست ثبت دانست بعضی از
 دادرسان در مقامات بالاتر نیز تا اندازه (بنظر نگارنده) راه معالغه
 پیموده چنین عقیده دارند مادام که سند مالکیت صادر
 نگردیده شخص متقاضی ثبت محسوب است و دلیلشان
 هم تا اندازه ماده ۲۱ قانون ثبت است که گوید: همینکه
 ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت
 فقط کسی را که ملک باسم او ثبت شده مالک
 خواهد شناخت»

پس بنظر این دسته تا زمانی که ملک در دفتر املاک

توسل بهمان وسایل مصنوعی و ظاهر آراء در تحصیل
 اسناد و مدارک تصرف منتهای کوشش بکار برده و طوری
 رفتار میکردند که مشروعیت عملشان از جنبه خارجی
 و قانونی محفوظ باشد و باز بردستی متناسبی در موقع
 تحدید حدود و یا انتشار اعلانات ثبتی منتهای سعی خود را
 در اغفال مالک اصلی بکار برده و همینکه این عمل انجام
 و فقط چهار پنج ماهی در اطراف آن نظارت و مراقبت
 کامل رعایت میکردند دیگر بکلی قضیه را مسکوت گذارده
 نه سراغ ملک میرفتند و نه ثبت آنرا تعقیب مینمودند تا
 آنکه عمل آنها مشمول مرور زمان گردیده از تاریخ
 درخواست ثبت شان مدت کافی برای عدم تعقیب امور جنبه
 بگذرد در تمام این مدت مالک نادان و بیچاره هم که در عین
 حال هم متصرف و بهره مند از ملک بوده و هم بصورت ظاهر
 بی معارض در جای خود خوابیده و از آنجائی که سهل
 انگاری و بنزد انداختن کار امروز شیوه بیشتر مردم است
 در ثبت ملک خویش هم غفلت نموده و یگانه راه برای تقطیس
 عمل متجاوزین راهم که از ثبت ملک و تعقیب آن برای
 خویش باز بود مسدود میکردند.

و چون اصولاً عادت و طبیعت مردم زشت خو
 متجاوز حمله بر ضعفا و آنهاییست که از حق خود خوب
 دفاع نمیکند غالباً این قبیل اشخاص بنوبه خود آندسته
 از ضعفا را انتخاب میکردند که بخوبی از تنبلی و بی
 فکری و یا جهالت و کند فکری آنها باخبر بوده و خطر
 احتمالی در کشف عمل خویش را کمتر میدیدند بهمین
 جهة بکرات دیده شده ثبت کنندگان ملک غیر پس از سه
 الی چهار سال در خواست سند مالکیت را تعقیب و با
 تحصیل آن مالک غافل و از همه جا بیخبر را از حق
 خویش محروم و در بر تو مرور زمان نیز از تعقیب کیفری
 خود را مصون میساختند

لکن اینراه در نظر بیشتر این متجاوزین بخطا
 رفت باین معنی که قانون ثبت طوری نوشته شده بود که
 رویه قضائی توانست تا حدی در مقام تعبیر قانون حمایت

مراجعات چنین شخصی (بعد از انقضاء مدت اعتراض) برای اخذ نتیجه ایست که مقدمات آن بانجام رسیده و بنابراین مرور زمان از روزی شروع میشود که هیچکس را بر ملک حق اعتراض نمانده باشد.

گرچه تفسیر اول بیشتر بنفع مردم جاهل بوده و مقصود قانونگذار هم در وضع چنین قانون منحصرأ حمایت اشخاص جاهل و غیر آشنا بقانون است لکن در تفسیر قوانین کیفری دشت داد رسان زیاد باز نیست و نمیتوانند منظور قانونگذار را جز با عبارات روشن و صریح بطور وسیع تعبیر کنند و باید با کمال تأسف مہلت مقرر از روزی حساب کرد که دیگر هیچگونه اعتراضی بر مالکیت متقاضی پذیرفته نیست مگر آنکه بتوانیم متن قانون را تفسیر دهیم

دکتر ع. اخوی

بنام متقاضی ثبت نشده شخص مزبور مالک نیست و درخواست کننده ثبت باو اطلاق میشود و در نتیجه میتوان آغاز مرور زمان را از نظر کیفری از تاریخی دانست که ثبت ملک در دفتر املاک بعمل آید

لکن اگر خوب بنگریم می بینیم که درخواست کننده ثبت از آغاز درخواست تاریخی که سند مالکیت میگیرد سمت های مختلفی از نظر قضائی پیدا میکند: در مرحله اول یعنی از روزی که درخواست ثبت نموده مشارالیه متقاضی است و این مرحله تا روزی ادامه دارد که راه اعتراض بر ملک و مالکیت او برای اشخاص ثالث باز است از این تاریخ به بعد چون هیچکس را حق معارضه با مالکیت متقاضی نیست دیگر نمیتوان از راه روز هم درخواست کننده ثبت دانست و بلکه مراجعات او از نظر تحصیل سند است پس عرفاً و عادتاً و نیز از نظر حقوقی

سیاست جنائی

دنیاله شماره ۴ سال ۴

از آنها را بطور اختصار شرح میدهم
قبل از تشریح وسائلی که بکار برده میشود این نکته را باید در نظر داشته باشیم که در موقعیکه مواجهه بالکه های زیادی در محل جرم میشویم برای کشف نوع آنها لازم است که آن قسمت از لکه هائی که خون نیستند از سایر لکه ها خارج کرده و به لکه های خونی بپردازیم

الف - یکی از وسائلی که بکار برده میشود *Empreintes de Taylor* است وجود لکه خون بوسیله *Reaction de van deen* ثابت میشود بدینوسیله که رنگ *Gaïac* در مجاورت خون رنگ آبی بخود میگیرد ولی از آنجائیکه در مقابل بعضی اجسام دیگر از قبیل شیر - عرق بدن وغیره نیز رنگ آبی بخود میگیرد وسیله کاملی برای تعیین لکه های خون بشمار

پس از آنکه باز پرس بکمک مأمورین کشف جرائم لکه های خون را در نقاط مخصوص در محل جرم کشف کرده و حفظ نمود برای تشخیص نوع آنها مجبور است از لابر اتوار کمک بطلبند سئوالاتی که میتوان در قسمت لکه های خون از لابر اتوار نمود بطریق ذیل هستند:

- ۱- لکه که در محل جرم یافت شده خوب است یا ماده دیگری؟
 - ۲- خون انسان است یا حیوان؟
 - ۳- در صورتیکه خون انسان است از چه قسمتی از بدن است؟
 - ۴- از نظر دسته های خون متعلق بچه شخصی هستند؟
- ۱- لکه خون است یا خیر؟ رویه های زیادی برای تشخیص لکه خون موجود است که از نظر تاریخی اهمیتی دارند و در عمل متروک مانده اند وسائل دیگری امروزه در لابر اتوار بکار برده میشوند که چندتای